# ریشه‌های زشت‌نویسی در فضای مجازی

یکی از پدیده‌های مضموم اجتماعی و اخلاقی که پس از توسعه روزافزون فناوری‌های ارتباطی و گسترش ضریب نفوذ آنها در جامعه رواج یافته، مسئله فحاشی است که اتفاقا محدود به قشر و تیپ خاصی هم نیست و تقریبا همه را مبتلا کرده است. صاحب نظران می‌گویند که بی اخلاقی در فضای مجازی رشد قابل توجهی داشته و امنیت اخلاقی کاربران این شبکه‌ها را تهدید می‌کند.

گاهی سرک کشیدن به شبکه‌های اجتماعی و خواندن ناسزاگویی برخی افراد، شوکه کننده است. بسیاری از این ناسزاها با استفاده از نقطه‌چین به جای بعضی از کلمات شان هم قابل انتشار نیستند. دیدن اینکه حتی افرادی با صفحات پروفایل معمولی که آنها را به عنوان اعضای بهنجارِ جامعه نشان می‌دهد، در بعضی صفحات با رکیک‌ترین الفاظ به ناسزاگویی مشغول می‌شوند و به جای اظهار نظر، فحش می‌دهند، این پرسش را به ذهن متبادر می‌سازد که چرا کاربران شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام به جای گسترش دایره دوستان مجازی و تشریح عقاید به صورت منطقی و محترمانه و به جای استدلال به ناسزا روی می‌آورند و به جای تبادل نظر دچار سوءتفاهم می‌شوند؟

گاهی نظرات خشم‌آلود برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی زیر خبر یا نظری منتشر می‌شود که آن را نپسندیده‌اند و نارضایتی خود را با خشم از طریق ناسزاگویی ابراز می‌کنند. اما چرا این افراد نظرات خود را با آرامش و به دور از هیجان مطرح نمی‌کنند؟ آیا ضعف در آموزش مهارت‌های لازم برای تبادل نظر به ضعف در مهارت‌های ارتباطی و ناتوانی در بیان دیدگاه منجر شده است؟

پیش از ارائه پاسخ، بهتر است سخنان لیلی را بخوانیم. او یکی از فعالان فضای مجازی است که چندین بار به دلیل مواضع خود درباره مسائل مختلف مورد حمله و خشونت کاربران قرار گرفته است. او می‌گوید: «شما نمی‌توانید تصور کنید گستره خشونت مجازی چه قدر می‌تواند وسیع باشد. هیچ تصوری نمی‌شود داشت از این که الان مطلبی را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کنید و بعد واکنش‌ها چه باشد؛ مطلبی که نه زندگی کسی را به صورت مستقیم مورد تهدید قرار می‌دهد، نه هیچ خطر دیگری دارد، بلکه صرفا دیدگاه شما است به یک واقعه، موضوع، خبر یا تصویر! همین. بعد ناگهان می‌بینید هزاران نفر که اصلا شما را نمی‌شناسند، دارند به شما فحاشی می‌کنند. سپس در این میان می‌بینید آدمی که در زندگی واقعی مدعی بوده دوست شما است نیز کنار فحاشان می‌ایستد؛ کسانی که هیچ بدی به آن‌ها نکرده‌اید، با این جماعت همراه شده‌اند یا دارند شما را مورد تمسخر و فحاشی قرار می‌دهند.»

او از تجربه شخصی خود به‌عنوان اتفاقی که خیلی سخت بوده اما نگاه تازه‌ای به او بخشیده است، حرف می‌زند: «من الان تغییر کرده‌ام. پذیرفتم که جامعه انسانی همین است و من اگر اعتقاد دارم به درستی کاری که انجام می‌دهم، بخشی از آن هم همین است. ممکن است چیزی بنویسی که ۳۰۰ نفر دوست داشته باشند اما سه‌هزار نفر را در ردیف مخالفان عصبانی شما قرار دهد. در یکی از حمله‌هایی که در فضای مجازی به من شد، داشتم کامنت‌هایی را می‌دیدم که داشتند برای من نقشه می‌کشیدند، چشمانم افتاد به یک سوال و جواب. کسی پرسیده بود چه کار کنیم که بشکند و دیگر با این قدرت حرف نزند؟ دیگری جواب داده بود باید آن‌قدر مسخره‌اش کنیم و فحش بدهیم که وقتی مردم نامش را می‌شنوند، بخندند و او گریه کند.»

## مخاطبانی که فقط بر موج سوار شده و نمی‌دانند برای چه فحش می‌دهند

لیلی می‌گوید: «در این نوع حمله‌ها، یک اتحاد نانوشته و گسترده درمیان مخالفان اتفاق می‌افتد که ویران‌گر است. در این حمله‌ها، هرآدمی هرچه قدر هم قوی باشد، باز نقاط نرمی دارد که اگر توسط فحاشان کشف شوند، می‌توانند او را در برابر حمله ناتوان کنند. باید از فضا فاصله گرفت. باید از تراپیست و روان‌شناس کمک خواست. باید به حلقه دوستان راستین پناه برد. چون حتی یک حمایت در این شرایط باارزش است. ممکن است یک نفر در حمایت از شما مطلبی بنویسد که عده‌ای متوجه شوند جای درستی نایستاده‌اند. به علاوه، این برخورد فضا را می‌شکند و این تصویر را که این‌جا آخرالزمان است و شما تنها در میانه تیرهای بلا ایستاده‌اید را از میان ببرد.»

وقتی خشونت کلامی در فضای مجازی رخ می‌دهد، آن‌چه اتفاق می‌افتد، به گواه کسانی که با آن روبه‌رو بوده‌اند، بسیار عریان، هولناک و غیرقابل باور است. لیلی می‌گوید: «تا مدت‌ها از خودم متنفر شده بودم. گمانم این بود که من چه قدر آدم بدی هستم، وگرنه چرا باید این همه آدم پشت این اکانت‌ها بنشینند و فقط به‌دنبال فحاشی و توهین به من باشند؟ اما به مرور یاد گرفتم وقتی کسی مرا مورد خشونت قرار می‌دهد، بروم و مستقیم از او سوال کنم مشکل او با من چیست. مخاطبانی هستند که فقط بر موج سوار شده‌اند و اصلا نمی‌دانند برای چه دارند فحش می‌دهند! از آن‌ها بپرسید، خیلی وقت‌ها می‌بینید که فضا تغییر می‌کند.»

## نگذاریم به کار بردن کلمات رکیک عادی شود

بسیاری از فعالان فضای مجازی بر این باورند که عادی شدن فرهنگ به کار بردن کلمات رکیک درمیان زنان و مردان در فضای مجازی ترسناک است و سکوت در مقابل این رویدادها یا حذف ظاهری و نادیده گرفتن کامنت‌ها و پیام‌های خصوصی، تنها باعث می‌شود فرد خاطی حاشیه امنی در اطراف خود احساس کند و به خشونت‌های کلامی خود ادامه دهد.

لیلی در این زمینه عنوان می‌کند: «درست است که در نظام قضایی برای رسیدن به حق و حقوق خود باید بسیار شکیبا بود و مسیری طولانی را طی کرد، درست است که ممکن است همه این توان و امکان را نداشته باشند که حقوق خود را پی‌گیری کنند، اما کسانی که می‌توانند، باید صدای خود را بلند کنند و نظام قضایی بداند کسانی هستند که حق خود را می‌طلبند. ممکن است به عنوان شاکی نتوانید کسی که شما را تهدید به تجاوز کرده یا خشونت کلامی روا داشته، به زندان محکوم کنید. ممکن است مجازاتی که تعیین می‌شود، مثلا شلاق باشد و شما به دلیل بازتولید خشونت، اصلا تمایلی به اجرای مجازات نداشته باشید. اما یک عذرخواهی در فضای عمومی را که می‌شود انجام داد. این مسئله جنبه آموزشی و آگاهی رسانی دارد که به نظر من در اولویت بالاتری قرار دارد.»

## هنجاری برای چگونگی رفتار در فضای مجازی وجود ندارد

از منظر جامعه شناسی می‌توان گفت علت این پدیده تا حد زیادی به نبود هنجارهای اجتماعی یا کمرنگ شدن آن در فضای مجازی بازمی‌گردد. در دنیای واقعی، در شرایط و موقعیت‌های مختلف، رفتارهای مختلفی به‌عنوان هنجار پذیرفته شده‌اند. این به آن معناست که محیط و افرادی که در آن هستند نوع و شیوه ارتباطات ما را تعیین می‌کنند. هردو این عوامل در فضای مجازی رنگ می‌بازند چراکه افراد تنها خود را در برابر صفحه کامپیوتر یا گوشی موبایل می‌بینند؛ نه محیط حس می‌شود و نه فرد یا افراد درون آن قابل رویت‌اند. اما هنجارهایی که به ما بگوید در فضای مجازی چگونه باید رفتار کنیم وجود ندارد. از سوی دیگر نمی‌توان انکار کرد آنچه در دنیای واقعی رخ می‌دهد در فضای مجازی هم نمود پیدا می‌کند و حتی با سرعت بیشتری گسترده می‌شود.

## افراد احساس می‌کنند در فضای مجازی نامرئی هستند

اما از منظر روانشناسی نیز، ناشناس بودن در فضای مجازی نیروی قدرتمندی است که سبب می‌شود اشخاص احساس کنند نامرئی هستند. پنهان شدن پشت یک هویت قلابی یا نام جعلی به کاربران اجازه می‌دهد بی‌هراس از طرد یا تنبیه اجتماعی، هر چه دلشان می‌خواهد بر زبان برانند. این‌گونه افراد بدون احساس ترس و مسئولیت، اتیکت‌های اجتماعی را نادیده می‌گیرند و حتی به این هنجارشکنی‌های گستاخانه افتخار می‌کنند. آنها تصور می‌کنند فضای سایبر به آنان آزادی نامحدودی اعطا کرده است. در مورد نوجوانان و جوانان هم تکنولوژی ماهیت دست انداختن، تحقیر و توهین به همسالان را تغییر داده است. به جای نامه و ای‌میل و دیوار نوشته، نوجوانان حالا برای همدیگر کامنت‌های استهزاآمیز می‌گذارند و به یکدیگر اهانت می‌کنند. بچه‌ها در فضای مجازی‌ای بزرگ می‌شوند که قوانین و اتیکت‌های آن نامشخص و سردرگم است و نظارتی هم بر هنجارشکنان وجود ندارد.

علی شاکر، صاحب‌نظر در حوزه علوم ارتباطات، مهم‌ترین دلیل این امر را بحران گفت‌وگو دانسته و اینکه «افراد این جامعه همیشه با تفسیرهای ذهنی و قضاوت‌های پیشینی با یکدیگر مواجه می‌شوند. این انسداد گفت‌وگو وقتی با فحش و دشنام همراه می‌شود، بر تلخی ماجرا بیشتر می‌افزاید و امید به بهبود و گشایش و فهم دیگری را بسیار پایین می‌آورد.» این صاحب نظر معتقد است که نمی‌توان فحش را از ذهن و زبان مردم جامعه یا کاربران گرفت و دور انداخت. ولی می‌توان به آنها پیشنهاد کرد که از این خنجرهای برنده برای بریدن سر تفاهم و گفت‌وگو استفاده نکنند.

شاکر در این مطلب که به قلم او در «تجارت فردا» نوشته، شده، تاکید کرده است، یکی از مهم‌ترین دلایل آسودگی در فحش دادن، ناشناس بودن هویت ما در فضای مجازی است. وقتی با یک نام و عکس تقلبی وارد جمعی مجازی شویم، فحش دادن و دیگری را به الفاظ زشت خطاب کردن نوعی حس قدرت به ما می‌دهد. این درحالی است که ممکن است رودررو هیچ‌گاه با افراد این‌گونه برخورد نکنیم. از طرفی نتایج پژوهشی نشان می‌دهد، مرور و گشت‌زنی در فضای مجازی از میزان خودکنترلی کاربران می‌کاهد. همچنین در فضای آنلاین افراد از قید و بندهای دنیای حقیقی کمی رهاترند و انگار یادشان می‌رود که دارند بلندبلند فکر می‌کنند و هر کدام از نظرهایشان می‌تواند عکس‌العملی داشته باشد. اینجاست که فقط نظر می‌نویسند، بدون اینکه به تبعات آن فکر کنند. شاکر از توخالی شدن کلمات زشت از معنا می‌گوید و اینکه الزاماً قرار نیست همان چیزی که می‌نویسیم احساس واقعی ما باشد. مثلاً وقتی به خاطر یک موضوع خیلی بی‌اهمیت و کوچک به کسی می‌گوییم «ازت متنفرم!» این واقعاً به معنی تنفر واقعی نیست. شاکر، می‌گوید: وقتی می‌خواهید وارد شبکه‌های اجتماعی شوید به شما نوید وارد شدن در بهشتی از دوستی‌ها و رفاقت‌ها می‌دهند، ولی وقتی وارد می‌شوید می‌بینید که چنین نیست و همین مسئله باعث می‌شود تا رفتارهای بی‌ادبانه در این فضا نمود بیشتری داشته باشد. اما بحث داغ این روزها، توهین‌های مداوم برخی از کاربران در اینستاگرام است. گاهی زیر عکس یک آدم محبوب یا معروف بحث‌های داغ و رکیکی شکل می‌گیرد. معمولاً صاحب صفحه محترمانه هشدار می‌دهد که اگر کسی توهین کند، دسترسی او را می‌بندد، ولی همچنان توهین‌ها ادامه دارد، عجیب نیست؟

دکتر اصغر مهاجری، استاد دانشگاه بر این باور است که مردم ما قدرت تاب‌آوری بالایی ندارند، کمتر خودکارآمدند. آستانه تحملشان پایین است، ظرفیت نقدپذیری ندارند و در نتیجه واکنش عاطفی‌شان به صورت رکیک گویی و بدزبانی بروز می‌یابد. برای مثال، شما در خیابان حرکت می‌کنید اما چون آموزش‌های خوب و متناسب ندیده‌اید، چون تحمل بالایی ندارید، چون سبک زندگی‌تان مناسب نیست و... به محض اینکه خودرویی جلویی شما دیر حرکت می‌کند، واکنش نشان می‌دهید، همین مسئله در فضای مجازی هم نمود دارد.

او می‌گوید: یک متغیر دیگر که در بحث رفتار زبانی اهمیت دارد، مسئولیت پذیری و مسئولیت گریزی در جوامع است. هرچه جامعه‌ای مسئولیت گریزتر باشد، گزندگی زبان بیشتری هم دارد. فرد مسئولیت گریز، نیازمند استفاده از زبان جایگزین شده و فرافکنانه است. بنابراین ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و هزاران متغیر دیگر، زندگی ما را به گونه‌ای سامان داده که ما تاب‌آوری کمتر، مسئولیت گریزی بیشتر، خودکارآمدی ضعیف‌تر و آستانه تحمل پایین‌تری داریم. این‌ها سبب می‌شود که زبان رکیک و پرخاشگر می‌شود.

## فرزندان ما پیش از داشتن موبایل، باید در زمینه سواد رسانه‌ای آموزش ببینند

اما مجید رضائیان، استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم پدیده زشت نویسی در فضای مجازی را به فقدان «سواد رسانه‌ای» گره زده و می‌گوید: «ما همواره این موضوع را مطرح کرده‌ایم که سواد رسانه‌ای باید تدریس شود و در آموزش‌های مدارس قرار بگیرد. بچه‌های ما قبل از اینکه موبایل به دست شان بیاید، باید در زمینه سواد رسانه‌ای آموزش ببینند، اما تاکنون حتی بزرگ‌ترها هم آموزش ندیده‌اند، چه برسد به نسل جدید. آموزش این عنوان درس در دانشگاه هم کافی نیست. سواد رسانه‌ای به آموزش پایه‌ای نیاز دارد. لازم نیست ما برای سواد رسانه‌ای کنگره علمی برگزار کنیم. سواد رسانه‌ای چند آیتم روشن و مشخص دارد که درک مفاهیم آن بسیار ساده است و فقط باید آن را به صورت عملی و تجربی آموزش داد و تدریس آن را از مدارس آغاز کرد. چند سال است ما در حال بازگو کردن این موضوع هستیم. خود من چندین بار در این باره صحبت کرده‌ام. از سال ۲۰۱۰ که هنوز شاهد کوچ شبکه‌های اجتماعی به تلفن‌های همراه - حداقل در ایران - نبودیم، در این باره هشدار داده‌ایم. بدون تردید باید مهارت‌های ارتباطی لازم برای استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی را در شهروندان - با گسترش آموزش سواد رسانه‌ای - افزایش داد. چون این تکنولوژی‌ها، عمومی شده است.»

این استاد دانشگاه به طور کلی معتقد است، ما در نظام تربیتی با مشکلات زیادی مواجهیم که باعث بروز این ناهنجاری‌ها می‌شود. از سوی دیگر ضعف در آموزش مهارت‌های لازم برای تبادل نظر به ضعف در مهارت‌های ارتباطی و ناتوانی در بیان دیدگاه منجر شده است و افراد در فضای مجازی خصلت‌های نادرست خود را راحت‌تر نشان می‌دهند و به همین خاطر است که فحاشی در این فضاها بیشتر است.

برخی بر این باورند که فحاشی ریشه در مسائل اجتماعی و اقتصادی هم دارد. در این زمینه مجید رضائیان عنوان می‌کند: «نمی‌توان حکم مطلق صادر کرد؛ چراکه این پدیده یک «موضوع نسبی» است. با این حال موضوع خشمِ مردم، پیش زمینه‌هایی دارد. مخاطب در فضای واقعی چیزهایی را می‌بیند، بعد در شبکه‌های اجتماعی خودش را تخلیه می‌کند؛ از فضای واقعی تاثیر می‌پذیرد و در فضای مجازی واکنش نشان می‌دهد. به هر حال، آسیب‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی در این مسئله تاثیرگذار است. این مسئله واکنش‌های خشمگینانه ایجاد می‌کند و به یک فضای هیجانی غیرمنطقی منجر می‌شود. ضمن اینکه نباید تصور کرد افراد از فضای واقعی به فضای مجازی می‌آیند و خود را تخلیه می‌کنند؛ این افراد در واقع تخلیه نمی‌شوند. واکنش‌هایی که ما می‌بینیم موقتی است و ممکن است چنین افرادی وقتی در فضای مجازی اقناع نشوند، دوباره به فضای واقعی برگردند و به واکنش‌های بدتری دست بزنند. از سوی دیگر بخشی از ریشه‌های این خشم به فشاری مربوط است که از نظر اقتصادی بر مردم وارد می‌شود. باید بپذیریم که اقتصاد یک عامل موثر است و فضای اقتصادی و فشارهای اقتصادیِ کنونی گاهی بر عرصه‌های اجتماعی و ارتباطات هم تاثیر می‌گذارد. این مسائل، آثار فرسایشی دارد. ما نمی‌توانیم عامل اقتصاد را نادیده بگیریم، ولی به نظر من نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد.»

---

## دشمن در چه فکریه؟!

ادامه از صفحه اول

پیش از این در برجام قرار بود همه تحریم‌ها برداشته شود و آمریکا و اروپا دست از دشمنی با ایران بردارند، اما ایران به تعهدات خود موبه‌مو عمل کرد دشمن نه تنها به تعهد خود عمل نکرد، بلکه قرارداد را پاره کرد و تحریم‌ها را چندبرابر کرد!

۴- امروز دشمن مشغول چه کاری است؟ امروز دشمن در فکر این است چگونه در صف پولادین اتحاد ملی که همه توطئه‌های آن‌ها را نقش برآب کرد، رخنه کند.

یکی نسخه «تغییر پارادایم» می‌نویسد امضا ۱۸۰ نفر را که در جیب دارد پای آن می‌گذارد.

دیگری نسخه رفراندوم و تغییر قانون اساسی و تأسیس مجلس مؤسسان می‌نویسد و برمی‌گردد به مواضع منسوخ جبهه ملی و نهضت آزادی قبل از انقلاب، دیگری لشکر رسانه‌ای را به خط می‌کند تا نشر اکاذیب و تشویش اذهان را در رسانه‌های مجازی رسمیت ببخشد و به لایحه دولت تیر سه شعبه می‌زند و آن دیگری مناره می‌سازد تا ساز یک تحرک دیپلماسی را در خلأ کوک کند و ....

این تحرکات جواب نمی‌دهد. پشت «دین» و «دانش» این کشور یک ملت متحد و یکپارچه ایستاده است. در توطئه بعدی دشمن، معلوم می‌شود چقدر این تحرکات قادر خواهد بود آن‌ها را از «له شدگی» و «بیچارگی» درآورد!

اگر از ما بپرسند دشمن در چه فکریه؟ پاسخ آن است، دشمن در فکر تکرار حماقت‌های گذشته است!

اگر از ما بپرسند تکلیف چیست؟ پاسخ آن است که به توصیه مولانا از صحبت با احمق بگریز، چون گفت‌وگو با احمق نتیجه‌اش خونریزی است.

از احمقان بگریز چون عیسی گریخت
صحبت احمق بسی خون‌ها بریخت

---

اصل برگ سبز (شناسنامه) خودرو سواری کوئیک به شماره پلاک ٥٦٤م٣٨ ایران ٢٤ رنگ سفید روغنی مدل ١٤٠١ شماره موتور M١٥/٩٧٣٠١١٣ به شماره شاسی NAS٨٤١١٠٠N٣٤٣٤٩٠٣ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز(شناسنامه) وسند کمپانی خودروسواری پژو٤٠٥ به شماره پلاک ١١٤د١٨ ایران ٢٤ رنگ بژمتالیک مدل ١٣٨٣ به شماره موتور ١٢٤٨٣١٤٦٥٣٣ به شماره شاسی ٨٣٠٦٣٠٩ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز - برگ کمپانی سواری پراید مدل ١٣٨٨ رنگ سفید روغنی پلاک ٢١٧د٨٨ ایران ٦٨ شماره موتور ٢٨١٥١٥٣ شماره شاسی S١٤١٢٢٨٨٩٣٤٢٣٩ به نام مهران خوشابی نوبر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) کارت ماشین خودرو پژو ٢٠٧ رنگ مشکی مدل ١٤٠٤ به شماره انتظامی ایران ٣٢- ٩٩٢ل٩١ شماره موتور ١٧٢B٠٣١٢٩٩٩ شماره شاسی NAAR٠٣HFFSDJ٢٩٢٠١ به مالکیت جلیل سفندارند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک تحصیلی کاردانی ناپیوسته به شماره ٩٣١٢٣٠٠٤١٧٠٠٩١ به تاریخ ١٣٩٨/٩/١٠ در رشته کاردانی حرفه ای حقوق - حقوق ثبتی از مرکز آموزش علمی کاربردی گلدشت کلاردشت و مدرک تحصیلی کارشناسی ناپیوسته به شماره ٩٦١١٢٣٠٠٤١٩٠٠٥٨ به تاریخ ١٣٩٨/١٠/٢ رشته کارشناسی حرفه ای حقوق - حقوق ثبتی از مرکز آموزش علمی کاربردی گلدشت کلاردشت به نام آقای وحید غفاری مجلج فرزند اباصلت شماره شناسنامه ٦٢٧٠٠١٣٦٦٦ صادره از کلاردشت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز (شناسنامه) موتورسیکلت ١٢٥ انرژی به شماره پلاک ٥٦٣-٦٦٦٧١ رنگ مشکی مدل ١٣٨٨ به شماره موتور ٩١٣٠٥٥٦٣*NRG* به شماره شاسی ١٢٥E٨٨٠٠٠٦٩***N١K مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کارخانه و برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥ مدل ١٣٨٧ به پلاک ٩٣٢ص٦٦ ایران ٩٥ به شماره موتور ١٢٤٨٧٢٥٨٦٣١ به شماره شاسی NAAMO١CA٥٩E٣٩٧٦٩٧ به رنگ مشکی به نام مرجان روستا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ واگذاری موقت بنیاد مسکن به شماره قطعه ١٨٤ به متراژ ٢٥٠ متر مربع واقع در بلورد شهرک ولایت کوچه امامت پلاک ١٦ به نام متقاضی علیرضا سیستانی فرزند فرج ا... صادره از بردسیر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب علیرضا حقیقت مالک خودروی به شماره موتور ١٣٣٨٩٠٠٢٧٤٣ به شماره شاسی NAAP٤١FD٧AJ٢٨١٢٧١ پلاک ٧٢١- ٤٤٦ی ٨٣ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی سند خودروی مذکور را نموده است لذا چنانچه احدی ادعایی در خصوص خودروی فوق دارد ظرف مدت ده روز به دفتر منطقه ای ساری واقع در کیلومتر ٥ جاده ساری به نکا جنب شرکت شمالیت مراجعه نمایند بدیهی است پس از مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز خودرو پژو سواری ٢٠٦ مدل ١٣٨٩ به شماره پلاک ٧٢-٤٤٦ی ٨٣ به شماره موتور ١٣٣٨٩٠٠٢٧٤٣ و شماره شاسی NAAP٤١FD٧AJ٢٨١٢٧١ به نام علیرضا حقیقت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری پراید مدل ١٣٨٧ رنگ نوک مدادی متالیک به شماره انتظامی ٥٥٣ه٤٥ ایران ٥٣ و شماره موتور ٢٧٠٣٢٠٦ و شماره شاسی S١٤١٢٢٨٧٥٧١٠٥٧ به نام خانم محدثه داودی تاسوره‌جانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری هاچ بک به سیستم پژو تیپ ٢٠٦TU٣ به مدل ١٤٠١ به شماره موتور ١٨٢A٠١٨١٦٨١ به شماره شاسی NAAP٠٣EE٥NJ٣١٣٢٩٨ به شماره پلاک ٧٨-٤٩٤ط٩٤ به نام حمداله همدانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی سواری آزرا مدل ٢٠١١ به شماره پلاک ٧٦٥٤٣٣-ایران ١٦ به شماره موتور G٦DB٥S٠٠٨٢٣٨ به شماره شاسی KMHFC٤١DBBA٥٢٧٣٩٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز خودرو سواری سیستم پراید تیپ جی تی ایکس مدل ١٣٨٣ به رنگ نقره ای متالیک به شماره موتور ٠٠٦٩٢٦٧٤ و به شماره شاسی S١٤١٢٢٨٣٢٣٨٦٨٥ به شماره پلاک ایران ٣٤- ٣٢٥ص٢٤ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری (SAINA GX CNG) مدل ١٤٠٤ رنگ سفید شیری پلاک ٣١ ایران ٢٩٦د٩٧ شماره موتور M١٥١/٥٥٣٧٩٠٣ شماره شاسی NAS٨٥٢١١٠S٥٨٣٢٨٠١ به نام صمد عبدیانی هابیلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

چون آقای حسین تلخابی مالک کامیون مدل ١٣٦٤ به شماره انتظامی ٥٢٢ع١٣- ایران ١٦ با شماره شاسی ٣٧٤٠٥١١٦٤٠٥٠٤٦ و شماره موتور ١٠١١٦٠٣٩ به علت فقدان سند تقاضای صدور سند المثنی نموده است لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد ظرف مدت ١٥ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران ، کیلومتر ٨ جاده ساوه مراجعه نمایند.

برگ سبز خودرو کوئیک سواری هاچ بک مدل ١٤٠٢ به شماره پلاک ٧٢-٢٤٢ط ٥٧ و شماره موتور M١٥٩٩٥٤٤٠١ شماره شاسی NAPX٢١٢AAP١١٩٠٤٣٦ به نام علی اکبر فتح فیروز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب مهدی زایرپور عباسی فرزند حافظ به شماره ملی ٠٠٧٤٧٤٧٣٣٩ و به شماره شناسنامه ١٦٧٥ مالک خودروی سواری پژو ٢٠٦ TU٥ مدل ١٣٩٢ به رنگ سفید و به شماره شهربانی (پلاک) ٩٢٩ص٧٤- ایران ٣٠ به شماره موتور ١٦٠B٠٠٣٨٦٣٤ به شماره شاسی NAAP١٣FE٨DJ٤٥٦٦٧٥ به علت فقدان اسناد فروش (اصل سند کمپانی و اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و اصل کارت شناسایی) تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور را دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکانشهر ساختمان سمند مراجعه نمایید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

سند سواری پژو ٢٠٦ آریان به رنگ سفید روغنی مدل ١٣٩٠ به شماره موتور ١٣٨٩٠٠٠٣١٦٣ شماره شاسی NAAP٦١ME٥CJ٤١٦٤٥٠ به شماره پلاک ٩٢٩ن٦٤-ایران ٢٤ به نام علیرضا نوراله دزفولی به شماره ملی ١٨٨١٥٢٩٩١٦ و شماره شناسنامه ٥٤٤ فرزند مهدی صادره از شوشتر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز یا سند خودرو پژو ٤٠٥ مدل ١٣٨٩ به شماره پلاک ٨٥٦ج٣٣ ایران ٦١ به شماره موتور ١٢٤٨٩٢٨٢٩٦٣ شماره شاسی NAAM١١CAEBE٠٦٦٣٥٩ به نام احمد حسنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاک نوع موتورسیکلت سیستم انرژی تیپ CDI رنگ سفید مدل ١٣٩١ به شماره موتور ١١٠٠٠٤١٥*NRG* به شماره تنه ١٢٥E٩١٠٠٧٠٤***NIK شماره پلاک ٣٨٢٦٨-٥٤١ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و برگ کمپانی کاربری سواری سیستم پژو تیپ پارس مدل ١٣٨٦ رنگ سبز به شماره موتور ١٢٤٨٦٠٥٩٣٤٧ به شماره شاسی ٥٠٣١٩٥٥٥ شماره پلاک ٢٦١م٤٧ ایران ٢٨ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی وانت مزدا بی ٢٠٠٠ آی مدل ١٣٨٧ به رنگ نقره ای - آبی به شماره موتور FE١٠٣١٩٣ به شماره شاسی NAGAPX٢PC١٨D٠٣٦٠٩ به شماره انتظامی ٥٦٣ص٤٩ ایران ٨٥ به نام آصف نوتی زهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز خودروی سواری سایپا ١١١ پراید مدل ١٣٩٨ به رنگ سفید به شماره موتور M١٣٦٣٢٩٢٨٣ به شماره شاسی NAS٤٣١١٠٠K١٠٦٩٤٠٠ به شماره انتظامی ٤٨٧ق٤٧ ایران ٩٥ به نام ناصر ریگی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ تردد خودروی سواری کیا اپتیما ٢٠٠٠ مدل ٢٠١٧ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ٧٧-١٨٨١٢ به شماره موتور G٤NDGH١٠٨٨٦٢ و شماره شاسی KNAGW٤١١BHA١١٩٢٩٦ به نام آصف ارجنگ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کارخانه و برگ سبز خودروی پراید ١٣١SX به رنگ سفید به نام مرتضی اورنگ به شماره انتظامی ٨٢٢ق٢٤ ایران ٩٥ به شماره موتور ٠٣٩٥٩٨٦٦ و شماره شاسی S٣٤١٢٢٩٨٥٥١٥٢ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند موتورسیکلت پرواز ١٥٠CC سوپر مدل ١٣٩٥ به رنگ مشکی به شماره موتور ٠١٥٠N٢N٤٦٦٦٩١ به شماره شاسی ١٥٠S٩٥١٤٨٠٦***N٢N به نام عارف بهرام زئی به شماره انتظامی ٣٧٣٥٥-٨٢٣ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند و کارت خودروی وانت دوکابین تویوتا هایلوکس به رنگ سفید به شماره موتور ٦٥٠٥٠٧٧ و شماره شاسی ٤٨٣٤١٢٩٩١ مدل ٢٠٠٨ به شماره انتظامی ١٩٢٧٥ به نام محمدعلی کشکوری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه تردد وانت تک کابین تویوتا لندکروز مدل ٢٠٠٤ به شماره موتور ٠٦٠٦٢٧٣ به شماره شاسی ٤٦٠١٨٥٥٥ شماره انتظامی ١٧٧١١-٧٧ به نام عبدالکریم پیش بهار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت تیوا ١٢٥CC CDI به رنگ آبی مدل ١٣٩٠ به شماره موتور NCWHA٥٢٥٧٣٠ به شماره تنه ١٢٥B٩٠٩٠٥١٠***NCW به شماره انتظامی ٦٩٣٦٥-٨٢١ به نام مهران کریم‌زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ تردد خودروی سواری پژو PARS TU٥ مدل ١٤٠٢ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ١٦٤B٠٣١٣٤٩٠ به شماره شاسی NAAN١١FE٨PH٢٧٠٦٩١ به نام محمد صلاح کریمی نیا به شماره انتظامی ٦٢١ق١١ ایران ٩٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥ جی ال ایکس آی ١/٨ مدل ١٣٨٣ به رنگ بژ متالیک به شماره موتور ١٢٤٨٣٠٦٠٠٤٠ شماره شاسی ٨٣٠٢٧١٩٤ به نام مهناز میری قلعه نو به شماره انتظامی ٦٤٥ل٨٤ ایران ٩٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند وانت تک کابین تویوتا لندکروز مدل ٢٠٠٩ به رنگ نقره ای بژ به شماره موتور ٠٧٩١٥٨٩ و شماره شاسی JTFLJ٧٣J٣٩٦٠٤٧٤٦٦ به شماره انتظامی ٧٧- ١٧٧٨٨ به نام عبدالحکیم چنگ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی کامیونت ون نیسان ٢٤٠٠ مدل ١٣٨٥ به شماره انتظامی ٣٦٥ق٨١ ایران ٩٥ به شماره موتور ٣٠٩٣٦٥ شماره شاسی E٠٣٦٢٤ به نام مولاداد بلوچ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودروی سواری سمند مدل ١٣٨٩ به رنگ سفید به شماره انتظامی ٩١٥ب١٨ ایران ٧٥ به شماره موتور ١٢٤٨٩٢٦٣٢٢٩ به نام سهیلا نورمندی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی و اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) تراکتور کشاورزی سیستم فرگوسن تیپ ٣٩٩ مدل ١٣٨٥ به رنگ قرمز معمولی به شماره موتور YAW-٤٣٥٧S به شماره شاسی E١٨٦٢٩ به شماره پلاک انتظامی ایران ١٤- ٥٧٧ک ٤٤ به نام مالک محمدحسین شیرزاده گماری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری نیسان تینا به شماره انتظامی ٥٥١د٩٢ ایران ٨٢ به شماره موتور ٨٤٤٧٩٥A به شماره شاسی NAPBBUJ٣٢D١٠٠٣٤٠٧ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری پژو پارس به شماره انتظامی ٥٣٩ب٤٦ ایران ٩٢ به شماره موتور ١٢٤K٠٥٩٩٤٩١ به شماره شاسی NAAN٠١CA٦FH١٦٥٢٩٨ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پراید جی تی ایکس مدل ١٣٨٤ به رنگ اطلسی به شماره انتظامی ٦١٧ص٤٤ ایران ٧٥ به شماره موتور ٠١٢٤١٦٣٧ به نام مرتضی ایران نژاد پاریزی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت ساوین مدل ١٣٩٣ پلاک ٤٨١- ٩٩٤٥٥ موتور ٠١٤٩NDR٠٣٨٣٣٠ به شماره شاسی ١٥٠T٩٣٦٧٠٠٢***NDR متعلق به مجتبی کریمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی نیسان دیزل مدل ١٣٩٠ پلاک ٧١١د٢١ ایران ٨٧ موتور ٨٠٠٢٠٥٤٥ شاسی NAZDL١٠٤TKA٠١٤٩١٥ متعلق به زیدا... رحیمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سند و سند کمپانی کامیون باری چوبی سیستم ماک تیپ S١١ سی دی کا مدل ١٣٥٦ رنگ نارنجی روغنی به شماره انتظامی ایران ٧٢- ٤٥١ع١١ شماره موتور ٥E١٨٦١ شماره شاسی ٠١٦٦٨٦ متعلق به آقای ابراهیم آرام کد ملی ٦٢٧٩٧٦٩٣٨٠ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

به اطلاع می رساند سند موتورسیکلت نامی ١٥٠ مدل ١٤٠٠ رنگ آبی به شماره تنه NBEAKRKBFM٢E٠٥٤٥٥ پلاک ٨٧٥٢٤/٥٢٥ متعلق به داود مافی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ کمپانی خودروی سواری پژو ٤٠٥ جی ال ایکس آی ١/٨ مدل ١٣٨٣ به رنگ بژ به شماره موتور ١٢٤٨٣١٦٧٣٥٢ به شماره شاسی ٨٣٠٧٣٨٩٣ به شماره انتظامی ٨١١ق٤٤ ایران ٨٥ به نام اویس عبدالسلامی سنگ‌آب مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

---

## کد ابلاغیه ۲۲۳۸۷۱۰۹۳۳۷۹۷۱۴۱

نوبت جلسه ۲
خوانده گرامی کارگاه/شرکت: همراه مفید خواهان: محمد مطیعی
وقت رسیدگی: ۱۴۰۴/۶/۳۰ ساعت ۱۰/۳۰
به کارفرمایی/مدیرعاملی/مدیرمسئولی/مدیر تصفیه: همراه مفید
به نشانی: نام استان: تهران نام شهرستان: تهران
نشانی: تهران انتهای قصرالدشت ضلع شرقی پارک بابائیان ک شهید اسماعیلی پ ۴۶
کد پستی ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱
شماره تلفن همراه: ندارد

نظر به اینکه دادخواستی برای شما در اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی مطرح شده است برای اطلاع از مفاد آن و زمان و مکان حضور در جلسه رسیدگی لازم است در سامانه جامع روابط کار ثبت نام نمایید. بدین منظور چنانچه تاکنون اقدام به ثبت نام در سامانه جامع روابط کار ننموده اید با همراه داشتن کارت ملی به یکی از دفاتر پیشخوان دولت مراجعه و ثبت نام نمایید. سپس برای مشاهده دادخواست مربوط به صفحه شخصی خود در سامانه رجوع نمایید.

راهنمای ورود به سامانه: (پس از احراز هویت و ورود به سامانه بر روی گزینه پنجره واحد خدمات کلیک کرده سپس گزینه پنجره خدمات را انتخاب نمایید از نوار اداره کل روابط کار، دریافت دعوتنامه / حکم جلسه رسیدگی با کد ابلاغیه را با کلیک بر روی گزینه شروع انتخاب نمایید و در فرم ظاهر شده درخواست دریافت دعوتنامه جلسه رسیدگی با کد ابلاغیه را انتخاب نموده و کد ابلاغیه درج شده در این برگه را در کادر کد ابلاغیه موجود وارد نمایید. سپس به قسمت تمام وظایف رجوع نمایید.)

تذکر ۱- ثبت نام اشخاص حقوقی در سامانه مستلزم همراه داشتن تصویر آخرین روزنامه رسمی شامل نام مدیر عامل و نشانی قانونی شخص حقوقی است.

تذکر ۲- عدم ثبت نام در سامانه یا عدم حضور در جلسه رسیدگی مانع رسیدگی و صدور رای نخواهد بود. لذا موکدا توصیه می‌شود به منظور شرکت در جریان رسیدگی و احقاق حقوق خود نسبت به ثبت نام در سامانه جامع روابط کار و شرکت در روند دادرسی اقدام فرمایید. لطفا مدارک خود را علاوه بر بارگذاری در سامانه جهت ارائه در روز جلسه رسیدگی به همراه داشته باشید.

علی اصغر رکنی مهر
مدیر اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی منطقه

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۵/۱۵
خ ش ۱۴۰۴/۵/۱۵

---

## آگهی دعوت سهامداران برای تشکیل مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت صنعتی و معدنی نگین وطن (سهامی خاص) به شماره ثبت ۷۶ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۰۸۸۶۴ دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۶/۱ در محل خ اندیشه پ ۱۰ تشکیل می گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- انتخاب مدیران ۲- انتخاب بازرسان

هیات مدیره شرکت

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۵/۱۵

---

## آگهی دعوت

بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت زنجیره تولیدو توزیعی امید گهر لرستان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۹۷۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۹۲۰۴۲۵۶ دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که در ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ در محل دفتر شرکت واقع در استان لرستان، شهرستان بروجرد، بخش مرکزی، شهر بروجرد، تختی، خیابان زرپرور، خیابان تختی، پلاک ۱ با کد پستی ۶۹۱۵۷۹۳۷۱۴، طبقه همکف تشکیل می گردد.

موضوع جلسه:
۱- تغییر نشانی در همان واحد ثبتی

دعوت کننده
مدیرعامل و عضو اصلی هیت مدیره
رضا ح صدیق

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۵/۱۵

---

نوبت اول

## آگهی مناقصه عمومی

شهرداری قرچک در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۱۴۰۳/۰۱/۵۲۵۵۵ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۱۷ جانشین شورای اسلامی شهر قرچک نسبت به احداث پارکینگهای عمومی از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید لذا از کلیه پیمانکاران واجدالشرایط دعوت می شود جهت اخذ اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

| ردیف | موضوع | مبلغ برآورد اولیه (ریال) | مبلغ سپرده (ریال) |
|---|---|---|---|
| ۱ | احداث پارکینگهای عمومی | ۴۹/۸۴۹/۱۰۰/۳۹۳ | ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ |

۱- دستگاه مناقصه گذار: شهرداری قرچک
۲- سپرده شرکت در مناقصه به صورت ضمانتنامه بانکی اسناد خزانه یا وجه نقد جهت واریز به حساب ۰۱۰۵۹۷۸۳۸۵۰۰۳ به نام سپرده اشخاص شهرداری می باشد و مدت قرارداد ۶ ماه می باشد.
۳- محل دریافت اسناد مناقصه: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)
۴- محل تسلیم اسناد مناقصه و پاکات پیشنهادات: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)
۵- مهلت اخذ اسناد مناقصه از ۱۴۰۴/۵/۱۵ تا مورخه ۱۴۰۴/۵/۲۰ و تحویل پاکات پیشنهادات تا مورخه ۱۴۰۴/۶/۳ که در سامانه ستاد نیز اعلام گردیده است.
۶- تشکیل کمیسیون عالی معاملات شهرداری قرچک و بازگشایی پاکتهای پیشنهادی در روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۶/۳ راس ساعت ۱۳ در محل سالن جلسات شهرداری می باشد.
۷- به پیشنهادات مبهم، مخدوش و فاقد سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۸- شهرداری در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار است.
۹- برندگان اول و دوم و سوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند، سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
۱۰- سایر اطلاعات و جزئیات فنی مربوط به معامله در اسناد مناقصه واقع در سامانه ستاد (شهرداری قرچک) قید و هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۱۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۲۲
خ ش ۱۴۰۴/۵/۱۵

محسن خرمی شریف
شهردار قرچک